

چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی

سید آصف کاظمی *

دانش‌پژوه دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، مجتمع
آموزش عالی امام خمینی (ره)، جامعه المصطفی (ص)
العالمیه.

چکیده

وضعیت امروزی جهان اسلام نشان می‌دهد که به‌رغم ظرفیت‌های بسیار بالای تمدن‌سازی، دنیای اسلام هنوز با مشکلات و بحران‌های فراوانی همراه است و نتوانسته است تمدن اسلامی را تحقق بخشد. این تحقیق در تلاش است با مدل چشم‌انداز سازی ارگون که فرایندی متشکل از چهار گام و پرسش ساده اکنون کجا هستیم؟ به کجا می‌رویم؟ کجا می‌خواهیم باشیم؟ چگونه آنجا برسیم؟ است به این پرسش پاسخ دهد که تمدن نوین اسلامی دارای چه چشم‌اندازی است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که در صورتی که جهان اسلام به هویت مشترک خود توجه کنند می‌توانند به مجد و شکوه گذشته خود دست یابند. جهان اسلام با داشتن جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر به‌منزله یک‌قطب جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بزرگ، قابلیت‌های مهم برای احیای تمدن اسلامی دارد از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها، هویت مشترک اسلامی مانند موانع مشترک، سابقه تاریخی، ارزش‌های مشترک، پیوستگی جغرافیایی و مرز مشترک، قابلیت‌های فوق‌العاده ژئوپلیتیکی مشترک، تهدیدات خارجی، داشتن دشمنان مشترک و منافع متقابل مشترک هستند.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، چشم‌انداز، ارزش‌های اسلامی، فرهنگ، جغرافیا، منافع مشترک، دشمن مشترک.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۵

* (نویسنده مسئول: kazemi.asef@gmail.com)

مقدمه

تمدن اسلامی با ۱۴ قرن حیات پرفرازونشیب از ریشه‌دارترین تمدن‌های انسانی به شمار می‌آید و در برهه‌ای از تاریخ قلمرو اسلام را از لحاظ نظم و انضباط اخلاقی، برتری سطح زندگی، سعه صدر و اجتناب نسبی از تعصب و توسعه و ترقی علم و ادب طی قرن‌های دراز پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مربی فرهنگ عالم انسانیت قرارداد و فرهنگ و تمدن جهان امروز بدان بیشتر از تمدن یونان مدیون است. اگر در تمدن سازی پیش رو، اسلام مبنای عمل قرار گیرد، جهان شاهد تمدن بی نظیری خواهد بود که در آن دنیا و آخرت، ماده و معنا رفاه و معنویت باهم جمع خواهند شد و تمدنی با این ویژگی مسلماً با اقبال جهانیان نیز مواجه خواهد گشت. از این رو، عصر حاضر را بازسازی تمدن نوین اسلامی نامید چراکه مسلمانان امروز با مشاهده و لمس ناکامی‌های گذشته خویش، بلوغ لازم را برای دستیابی به وضعیت جدید پیدا کرده‌اند و در پی تغییرات بنیادین و نوسازی تمدن خویش هستند و خوشبختانه امروزه مقدمات تمدن نوین اسلامی در حال فراهم و تکمیل شدن است. این مهم در گرو چاره‌اندیشی و آینده‌اندیشی برای فرصت‌های پیش رو است. با کمک روش‌های آینده‌پژوهی می‌توان آینده را ترسیم نمود و بعد به فکر ساخت تمدن نوین اسلامی اقدام کرد. یکی از اساسی‌ترین روش‌ها در جهت بالا بردن ارتباط بین مسلمانان که زمینه مهم برای تمدن نوین اسلامی است، یافتن مشترکات بین کشورهای اسلامی هست. مسلمانان و کشورهای اسلامی دارای مشترکات فراوانی در تاریخ، فرهنگ، دین، منابع و منافع، دشمن و هستند، از این رو علایق و پایبندی به این مشترکات موجب افزایش میزان همبستگی و همگرایی بین مسلمانان و کشورهای اسلامی می‌گردد. اگر مسلمانان به مشترکات موجود در بین امت اسلامی توجه داشته باشند به راحتی می‌توانند از مشکلات امروزی خلاص شوند و تمدن خویش را بار دیگر بازسازی و توسعه دهند و تمدن نوین اسلامی را خلق کنند. این تحقیق تلاش خواهد نمود تا بر اساس مراحل مدل چشم‌انداز سازی ارگون، مسئله بودن، ترسیم وضعیت موجود، سناریوی محتمل و مرجع و راهکارها و برنامه اقدام همگرایی اسلامی را سازمان‌دهی کند.

۱- چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

برای فهم، مطالعه و درک آینده و همین‌طور چشم‌انداز همگرایی اسلامی، روش‌های آینده‌پژوهی^۱ چارچوب مناسبی است. آینده‌پژوهی دانش و معرفت «شکل بخشیدن به آینده» به گونه‌ای آگاهانه،

فعالانه و پیشدستانه است. (ملکی فر، ۱۳۸۵، ص ۷)

۱-۱- چشم‌انداز

امروزه تغییرات با آهنگی پرشتاب در حال رخ دادن هستند. تغییرات فناوری و به دنبال آن تغییر در دیگر جنبه‌های زندگی، شتاب بیشتری یافته است. از این رو اندیشیدن درباره آینده برای انسان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. انسان برای آنکه خردمندانه عمل کند، بایستی نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشته باشد. اگرچه عدم قطعیت از اصول آغازین آینده‌شناسی است، اما اصل دیگری هم درباره آینده‌پژوهی وجود دارد که انسان می‌تواند در سرنوشت آینده تأثیرگذار باشد. در این میانه دانشی زاده شده است که کوشش می‌کند با پیش‌بینی عوامل اثرگذار در تغییرات آینده، هم کنترل تغییرات را در دست گیرد و هم جامعه را برای این تغییرات آماده کند. از این رو انسان‌ها با زمان معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بشر از دیرباز، زمان را به سه بخش گذشته، حال و آینده تقسیم کرده است. آینده انسان قابل قطعیت نیست؛ اما می‌توان با بررسی گذشته و تلفیق آن با زمان حال، نمای کوچکی از آینده را ترسیم کرد.

مطالعه آینده در آموزه‌های ادیان الهی به‌ویژه آموزه‌های اسلامی نیز از جایگاه والایی برخوردار است. قرآن به پیروان خود توصیه می‌کند که عاقبت‌اندیش باشند و فریفته منافع زودگذر دنیا نشوند، بلکه آخرت را در نظر داشته باشند و به‌گونه‌ای عمل کنند که در آخرت سعادت‌مند گردند. قرآن در آیه‌ای شریفه‌ای می‌فرماید: «ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید؛ و هرکسی باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است. از خدا پروا کنید یقیناً خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.» (سوره حشر، آیه ۱۸) از دیدگاه قرآن مسلمانان موظف‌اند برای آینده بلندمدت خود در این دنیا برنامه‌ریزی کنند. (سوره قیامت، آیه ۲۰ و سوره انسان، آیه ۲۷) توجه به آینده در کلام پیشوایان دینی نیز پراهمیت است. امیرالمؤمنین علی (ع) در سخن زیبای می‌فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که نسبت به آینده خویش آگاه‌اند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۵) آن حضرت در سخن زیبای دیگر به فرزندش امام حسن (علیهماالسلام) فرمود: «کسی که بدون تدبیر و پایان‌اندیشی در کارها وارد شود، خود را در معرض بلاها و مصیبت‌ها افکنده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۹۰) امام جواد (ع) نیز فرمود: «تدبیر و آینده‌نگری قبل از شروع کار تو را از پشیمانی در امان نگه می‌دارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۵) این سخن زیبا نیز از امام صادق (ع) به ما رسیده است که فرمود: «کسی که به اوضاع

زمان خویش آگاه است مورد هجوم امور ناگهانی قرار نمی‌گیرد». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۶-۲۷)

نخستین نشانه‌های جدی و علمی توجه بشر به آینده در عصر روشنگری دیده می‌شود، دورانی که بشر باور داشت که علوم برای هر چیزی راه‌حلی خواهند یافت. در همین دوران، اندیشمندان، افق‌های روشنی از آینده، تصویر می‌کردند. با آثار اندیشمندانی چون اچ جی ول^۱ و جورج اورول^۲، آینده‌پژوهی راه خود را به ادبیات باز کرد. نخستین فعالیت آینده‌پژوهی در قالب یک بررسی علمی در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ توسط گروهی از پژوهشگران و با سرپرستی ویلیام اف آگبرن^۳ در آمریکا انجام گردید. این گروه برای نخستین بار موفق به آینده‌بینی‌های مهمی از جمله افزایش نرخ مهاجرت و ازدیاد طلاق شد. همچنین بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال تجزیه و تحلیل فناوری‌های مورد استفاده در آلمان و ژاپن، شیوه‌های نوینی برای آینده‌پژوهی ابداع شد و در نتیجه آن دستاوردهای مهم فناوری در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شامل رادار، موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و حمل و نقل هوایی از قبل پیش‌بینی شد. دانش آینده‌پژوهی به شکل امروزی آن، پس از پایان جنگ جهانی دوم در اندیشکده «رند»^۴ شکل گرفت. (پدرام، ۱۳۸۸، ص ۶۷ و کورنیش، ۱۳۸۸، ص ۳) متفکران دهه ۱۹۶۰ دریافتند که امروز سنگ بنای دنیای آینده است و با نگاهی سازمان‌یافته به رویدادهای امروز، می‌توان چیزهای زیادی راجع به رویدادهای احتمالی آینده آموخت. (کورنیش، ۱۳۸۸، ص ۱۸) از افراد مطرح این رشته، رابرت جانگ^۵ آینده‌پژوه معروف آلمانی است که زندگی خود را صرف مطالعه اموری مانند سلاح‌های اتمی نمود. بعدها یک اتفاق افتاد که مسیر اندیشه‌های جانگ را به کلی متحول ساخت. او در سال ۱۹۶۰ با مردی مصاحبه نمود که به خاطر فاجعه اتمی هیروشیما به سرطان خون مبتلا شود بود و با مرگ دست‌به‌گریبان بود. مرد با اندوه فراوان گفت: «شما با سلاح‌های اتمی مبارزه می‌کنید اما حالا دیگر کار از کار گذشته است ... و همیشه دیر دست‌به‌کار می‌شوید». جانگ یک‌باره دریافت که او نیز عمرش را صرف مبارزه با چیزهای کرده که پیش‌تر اتفاق افتاده است. او با خود اندیشید که باید جلوی بحران‌های فردا را بگیریم و مردم را باید جلوتر از زمان به حرکت دریاوریم. بدین ترتیب بود

۱ . H.G.Wells

۲ . George Orwell

۳ . William F.Ogburn

۴ . RAND Corporation. <https://www.rand.org>

۵ . Robert jungk

که او در سال ۱۹۶۲ «کارگاه‌های آینده» را پایه‌گذاری کرد و مردم را تشویق می‌کرد آینده را بازنگری و بکشند چشم‌اندازی از آینده مطلوب خود بیافرینند. (کورنیش، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷-۱۰۸)

در آینده‌پژوهی، روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد مانند مشاوره با خبرگان، بازی‌ها، شبیه‌سازی، تصویرپردازی، تحلیل روند، اتاق فکر، سناریو و ... در سیاست‌گذاری‌های بلند عمده‌تاً از روش چشم‌انداز^۲ استفاده می‌شود. چشم‌انداز یک روش برای بیان اهداف، مقاصد، آرزوهای فردی، گروهی، جمعی و تخصصی است که در حوزه‌ها و مقیاس‌های مختلف به کار می‌رود و به دنبال پاسخ به این پرسش است که «آینده چگونه باید باشد؟» چشم‌انداز یک تصویر ذهنی است که به‌وسیله قدرت تصور و البته به‌صورت غیر خیالی تهیه می‌گردد. (قدیری، بی‌تا، ص ۱۲) چشم‌انداز از تصویری مطلوب و آرمان دست‌یافتنی در یک افق زمانی که متناسب با ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین تعیین می‌گردد. (بهرزولک و گرجی، ۱۳۹۰، ص ۶۵) چشم‌انداز به ما آمادگی رویارویی با نیازها و فرصت‌های آینده را می‌دهد. چشم‌انداز در واقع نوعی از آینده مطلوب و مرجح است که نیاز به تأیید تصمیم‌گیران دارد. رهیافت چشم‌انداز به آینده رویکردی فعال و اراده‌گرایانه دارد و شیوه‌ای از اندیشیدن است که با نگرستن به آینده بر عمل کنونی روشنی می‌افکند. (اجیانی، ۱۳۹۱، ص ۴۱۱)

امروزه صدها آینده‌پژوه و مشاور در سراسر دنیا وجود دارند که کارشان تسهیل برنامه‌های چشم‌انداز سازی است. حوزه کاربرد این برنامه‌ها می‌تواند بسیار متفاوت باشد، اما رویکرد کلی اغلب آنان یکسان است که شامل این پنج گام می‌گردد: شناسایی مسئله؛ موفقیت‌های پیشین؛ تبیین آمال برای آینده؛ تعیین هدف‌های قابل اندازه‌گیری و شناسایی منابع برای دستیابی به هدف‌ها. (کورنیش، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰)

از مدل‌های موفق چشم‌انداز، مدل «چشم‌انداز سازی ارگون» است. مدل چشم‌انداز سازی^۳ «ارگون»^۴ توسط شاخه ایالت ارگون «انجمن برنامه‌ریزی آمریکا»^۵ (بیگدلی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴-۱۰۵) به‌منظور ترویج و حمایت از امر برنامه‌ریزی بلندمدت تدوین گردیده و توسط «استیون امس» به رشته

۱ . Futur workshop

۲ . Vision

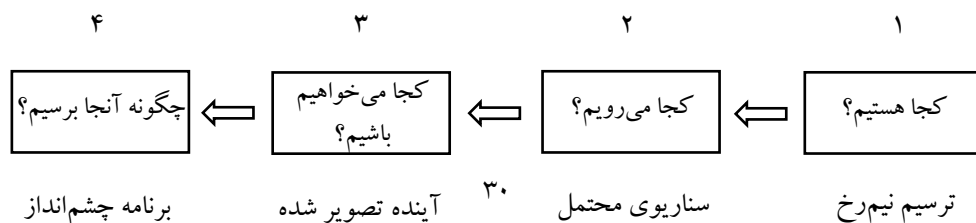
۳ . Prospective

۴ . OREGON

۵ . <https://www.planning.org/>

تحریر درآمده است. مدل ارگون را فرآیندی متشکل از چهار گام تشکیل می‌دهد که هر یک از گام‌ها بر اساس یک پرسش ساده بنا می‌شود: اکنون کجا هستیم؟ به کجا می‌رویم؟ کجا می‌خواهیم باشیم؟ و چگونه آنجا برسیم؟ (گلکار، ۱۳۸۴، ص ۳۰-۳۱) طبق فرایند ارگون اسناد مرتبط با این فرایند را به این صورت می‌توان تفسیر نمود. گام اول چشم‌انداز تحلیل وضع موجود و ترسیم نیمرخ است. در گام دوم چشم‌انداز به پیش‌بینی ادامه روند و بیانیه روند پرداخته می‌شود و شرایطی را که در حال حاضر وجود ندارد ترسیم می‌نماید. گام سوم، مرحله آینده آرمانی و بیانیه چشم‌انداز است که در آن وضعیت مطلوب و آرمانی تهیه و تدوین شده و بیان‌کننده جایگاهی است که تمامی نیروهای برنامه‌ای بایستی در تلاش برای رسیدن به آن باشند. در گام چهارم به برنامه اجرایی، روش‌شناسی، برنامه‌ها و تقسیم‌کار برای رسیدن به اهداف پرداخته می‌شود. (تفهیمی، ۱۳۸۸، ص ۷۴)

در اولین مرحله چشم‌انداز ارگون، نظریه‌پردازان بحران‌های که جامعه با آن‌ها درگیر است را مورد مطالعه قرار می‌دهد. اکثر نظریه‌پردازان، آثار خود را در زمانی نگاشته‌اند که به‌طور فزاینده احساس می‌کردند جامعه‌شان دچار بحران است. بنابراین، اولین مسئله، مشاهده و شناسایی مشکل جامعه است و اینکه بدانیم الان کجا هستیم. مشاهده بی‌نظمی، عقل و احساس آدمی را به تحریک، غلیان و حرکت انداخته و وی را به سمت‌وسوی مرحله دوم، که تشخیص علل آن است، سوق می‌دهد. تا وقتی علل مشکل مورد سؤال روشن نشود، درک واقعی آن عملی نیست و نمی‌تواند پیشنهادهای مناسب، راهگشا و کارسازی را به‌منظور درمان و یا تسکین مشکل نیز ارائه دهد. نظریه‌پرداز با مطالعه بی‌نظمی و بحران اجتماعی مانند کارآگاه به دنبال «سرنخ» گشته و نشان می‌دهد که با این شرایط جامعه به کدام سمت و سوی روان خواهد بود. او باید شک و تردید به خود را توسعه دهد و با مطالعه خویش، به بازسازی ذهنی جامعه پرداخته و آرمان‌شهری در ذهن تجسم کرده و افکارش را به صیقل علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها را نشان دهد. معیارهایی که وی برای جامعه بازسازی‌شده آرمانی خود در نظر می‌گیرد، ترکیبی از نوآوری و اکتشافات است. هدف این مرحله، ایجاد رابطه‌ای بین شخص و محیط اجتماعی است و موفقیت آن طرح بازسازی‌شده، یعنی قابلیت دوام، درجه عقلایی و حقیقی بودن آن بستگی به نتیجه‌ای دارد که نظریه‌پرداز از مرحله دوم بدست آورده است.



شکل ۱- فرایند چشم‌انداز سازی

بدین ترتیب، پژوهنده باید الگوی جامعه خوب را در ذهن خویش تجسم کرده و معیاری از آن به دست دهد. در گام آخر نظریه‌پرداز با توجه به اقدامات صورت گرفته در مراحل قبلی به ارائه درمان می‌پردازد.

جدول ۱- مقایسه طبقه‌بندی مفاهیم چشم‌انداز [۱۸]

چشم‌انداز	هدف در چشم‌انداز	شیوه مطالعاتی
گام اول	کجا هستیم	گزارشی - روایی
گام دوم	به کجا می‌رویم؟	تحلیلی - تفسیری
گام سوم	کجا می‌خواهیم باشیم؟	گزارشی - روایی
گام چهارم	چگونه آنجا برسیم؟	گزارشی - تحلیلی

۱-۲- تمدن نوین اسلامی

واژه «تمدن»^۱ معانی متفاوتی دارد. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و یونانیان با استفاده از این واژه شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۹) در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود. (عمید، ۱۳۷۴، ص ۵۳۰) به اعتقاد علامه جعفری تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادها سازنده آن‌ها باشد. (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۲۳۳) ابن خلدون تمدن را مترادف اجتماعی می‌داند. (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ص ۵۷) ویل دورانت آن را نظم دانسته است. (دورانت، ۱۳۶۵، ص ۵)

۱ . Civilization

دکتر ولایتی آن را حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی می‌داند. (ولایتی، ۱۳۸۲، ص ۳۲) بنا بر تعاریف یادشده، میان فرهنگ و تمدن ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد و تمدن بدون فرهنگ تحقق نمی‌یابد، زیرا زیربنای همه تمدن‌ها، ساختارهای فرهنگی است و فرهنگ، زمینه لازم برای رشد تمدن هست. منظور ما از تمدن، یک مجموعه نظام فرهنگی است که از خصایص فرهنگی عمده و مشابه چند جامعه خاص تشکیل شده است. تمدن اسلامی نیز به تمدنی گفته می‌شود که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام بچرخد و میراث مشترک مردم و ملت‌هایی است که اسلام در سرزمین آن‌ها نفوذ کرد و در ساخت و شکوفایی تمدن اسلامی ایفای نقش کردند. به این ترتیب، تمدن اسلامی نه به نژاد خاصی تعلق دارد و نه تمدنی ملی است که به مردم خاصی تعلق داشته باشد، بلکه همه گروه‌های نژادی و قومی را که در پیدایش، رونق و طراوت و گسترش آن نقش داشته‌اند، در برمی‌گیرد. (زرین کوب، بی تا، ص ۳۱) تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است. (اکبری و رضائی، ۱۳۹۴، ص ۹۰) پیش از ظهور اسلام، هیچ تمدنی میان مردم سرزمین حجاز وجود نداشت. اسلام با آموزه‌های ناب آسمانی برنامه‌ای استوار و همسو با خواست‌های فطری بشر به ارمغان آورد و برای تعالی و پیشرفت فرد و جامعه در حوزه‌های معرفتی و عقیدتی، اخلاقی و فرهنگی، اقتصادی و صنعتی و سیاسی و نظامی، احکام و تعالیمی را بیان فرمود که زمینه پیدایش جامعه‌ای نو، موسوم به جامعه اسلامی فراهم شد. (نصر، ۱۳۹۳، ص ۱۱)

موضوع تمدن اسلامی از قدمت زیادی برخوردار است و دارای پیشینه‌ای به درازای تاریخ اسلام است و در این زمینه کتاب و مقالات متعددی نگارش یافته است اما تمدن نوین اسلامی مفهومی جدید است که در سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، به آن تأکید فراوان شده است. (اکبری و رضائی، ۱۳۹۴، صص ۸۵-۱۰۸) پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نیز به چستی و مفهوم‌شناسی، اهمیت و آثار تمدن نوین اسلامی تمرکز داشته و درصدد کاربرد و پژوهش درباره آینده آن برنیامده است. برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در منابع فهرست خواهد شد اما درباره چشم‌انداز آینده آن و بررسی تمدن نوین اسلامی بر اساس چشم‌انداز سازی ارگون که یکی از الگوهای آینده‌پژوهی هست بررسی نگردیده است و موضوع از این منظر نو و بدیع هست.

۲- چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی

چشم‌انداز سازی ارگون شامل چهار مرحله تحلیل وضع موجود، سناریوی محتمل، آینده تصویر شده و سناریوی مرجع و برنامه اقدام و عملی تدوین می‌گردد.

۲-۱- مرحله اول: ترسیم نیم‌رخ

اولین مرحله از مراحل چهارگانه چشم‌انداز سازی ارگون به بررسی وضع موجود و ترسیم نیم‌رخ^۱ اختصاص دارد. توصیف سوابق و ویژگی‌های مهم، ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌های آن تعریف نمودن مباحث و دغدغه‌های جاری و صورت‌بندی ارزش‌های اجتماعی در قالب «بیانیه‌ی ارزش‌ها» از موارد این مرحله است. برای بررسی این مرحله و اندیشیدن جدی به آینده، نخست به این پرسش باید پاسخ دهیم که هم‌اکنون چه اتفاقی در جریان است؟ از این‌رو باید وضعیت امروزی تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گیرد که وضعیت تمدنی جهان اسلام چگونه هست که نیازمند برپایی و ساخت تمدن نوین اسلامی هستیم.

اولین مرحله چشم‌انداز یعنی اینکه بدون درک صحیح از وضعیت کنونی جهان اسلام و تمدن آن، امکان تأثیرگذاری و کنشگری فعال نه در زمان حال و نه در آینده وجود ندارد و حرکت اول برای حل مشکل، فهم مشکل است. ما باید درک کنیم که در چه شرایطی قرار داریم و مشکلات و چالش‌های ما کدام است. جهان اسلام، طی دو سده اخیر به‌ویژه در چند دهه گذشته بحران‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است، بحران‌های سیاسی مانند بحران مشروعیت و ساختار سیاسی در جهان اسلام، بحران ژئوپلیتیکی و مرزها، بحران‌های بین‌المللی مانند تعامل با دنیای غرب، مسئله فلسطین، بحران‌های اقتصادی مانند تک‌محصولی بودن و واردات بی‌رویه، بحران‌های اجتماعی مانند بحران ناسیونالیسم، بحران مهاجرت، بحران‌های فرهنگی، بحران هویت، افراط، تروریسم، اختلافات فرقه‌ای و واگرایی. (احمدی، ۱۳۸۸ و واعظی، ۱۳۹۲) وضعیت کنونی جهان اسلام را، مقام معظم رهبری در تحلیلی بسیار گویا بیان داشته است، ایشان در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی فرمودند: «امروز دنیای اسلام حقاً و انصافاً گرفتار است. شما نگاه کنید وضعیت کشورهای اسلامی منطقه‌ی خود ما را، از پاکستان و افغانستان بگیرید تا سوریه و لبنان و فلسطین و از یمن بگیرید تا لیبی؛ این کشورهای اسلامی منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا، امروز گرفتاری‌های زیادی

دارند: گرفتاری ناامنی دارند، گرفتاری برادرکشی دارند، گرفتاری تسلط گروه‌های ازخدایی خبر دارند و پشت سر همی این‌ها هم گرفتار نقشه‌های استکباری قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها آمریکا هستند که به اسم حفظ منافع خودشان وارد میدان‌ها می‌شوند و هر کاری که دلشان می‌خواهد - همان شهوت و غضب - انجام می‌دهند؛ یعنی انسان‌های بی‌گناه را می‌کشند، از گروه‌های نابکار حمایت می‌کنند». (بیانات رهبر، ۱۳۹۴/۲/۲۶) رهبری در جمله‌ای دیگر فرمودند: «حوادث گریه‌آور در منطقه در عراق و شام و یمن و بحرین و در کرانه‌ی غربی و غزه و در برخی دیگر از کشورهای آسیا و آفریقا، گرفتاری‌های بزرگ امت اسلامی است که سرانگشت توطئه‌ی استکبار جهانی را در آن باید دید و به علاج آن اندیشید؛ ملت‌ها باید آن را از دولت‌های خود بخواهند و دولت‌ها باید به مسئولیت سنگین خود وفادار باشند». (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۲۷)

این بحران‌ها مانع مهم برای تمدن نوین اسلامی به حساب می‌آیند و باید برای آن‌ها راه‌حل و راهکاری اندیشید زیرا دشمنان نیز پیوسته می‌کوشند تا در راه تحقق تمدن اسلامی موانعی ایجاد نمایند. روشن است که بیشتر این بحران‌ها از خارج مرزهای اسلامی هدایت می‌گردد و خواست و اراده بیگانگان در آن مشهود و معلوم است؛ اما بیگانگان تنها نیستند و مسئله و بحران‌ها به‌گونه‌ای رشد کرده که نیاز به حضور دشمنان نبوده است و از درون جوامع اسلامی نیز بر این بحران‌ها کسانی و گروه‌هایی به تفرقه‌افکنی و ایجاد شکاف در صفوف مسلمین پرداخته‌اند. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل و اگرایی به دودسته درونی و بیرونی تقسیم می‌گردد. عصبیت‌های مذهبی و نابجا نسبت به مذاهب اسلامی (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۴۱)، عصبیت‌های قومی و ناسیونالیستی (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۴۳)، عدم ژرف‌اندیشی عالمان دینی و دانشمندان در مبانی و اصول اسلامی، پخش و جعل اتهامات یا اکاذیب، حاکمیت دولت‌های خودکامه و استبداد داخلی (ولایتی و محمدی، ۱۳۸۹، صص ۱۶۸-۱۶۹)، وجود ناهمگونی در نظام‌های حکومتی و ساختارهای سیاسی کشورهای اسلامی، فاصله گرفتن از اسلام اصیل و نفوذ خرافات در عقاید، جدایی دین از سیاست، تعصب‌های نژادی و بحران مشروعیت در جهان اسلام (موثقی، ۱۳۷۸، صص ۷۴-۱۰۱) از جمله عوامل داخلی این بحران‌ها هستند. کشورهای سلطه‌گر و استعمارگر عامل بیرونی بحران‌های موجود است. تحقیر و بی‌اهمیت جلوه دادن فرهنگ اسلامی (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۴۴)، به وجود آوردن کانون بحران در خاورمیانه یعنی تأسیس و حمایت از صهیونیسم، ایجاد اختلافات مرزی و ارضی در دنیای اسلام، دامن زدن به تفرقه در جهان اسلام و فرقه‌سازی‌های مذهبی جعلی و منحرفی همچون «بابیت»، «وهابیت» و ... (کاظمی،

۲-۲- مرحله دوم؛ پوشش منابع و سناریوی محتمل

در مرحله دوم روندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بازشناسی شده و مباحث نوظهوری که ممکن است مسئله با آن مواجه شود را صورت‌بندی می‌کند. بر اساس تحلیل‌های مذکور یک «سناریوی محتمل» تدوین می‌گردد که سیمای آینده مسئله را به صورت تداوم شرایط کنونی و بدون هیچ تغییر عمده‌ای در جهت‌گیری‌ها نمایش خواهد داد. این مرحله از چشم‌انداز، پاسخ به پرسش به کجا می‌رویم؟ است و بیانیه روند^۱ نیز خوانده می‌شود. در پاسخ این پرسش باید گفت که اگر نخبگان جهان اسلام نتواند چشم‌انداز تمدن اسلامی را درست ترسیم کنند و یا جامعه اسلامی در عملیاتی ساختن آینده تصویر شده کوتاهی نمایند، سرنوشت دنیای اسلام بسیار مبهم و غبارآلود خواهد بود. چالش‌های موجود اگر کنترل نشود سبب گسترش پیچیدگی‌های درونی، بزرگنمایی اختلافات در میان کشورهای اسلامی و به‌ویژه سوءاستفاده‌های فراوان سایر قدرت‌ها در دامن زدن به تهدیدات و چالش‌های ساختگی باهدف غارت منابع گوناگون و سلطه بر جهان اسلام خواهد شد. متأسفانه دشمنان اسلام با استفاده از عوامل خود در جهان اسلام از یکسو و با بهره‌برداری از جهل و تعصب و خودخواهی برخی از عناصر تأثیرگذار سیاسی و مذهبی در میان جوامع اسلامی، توانسته‌اند اختلاف جزئی فکری و اعتقادی میان مذاهب را که بسیار طبیعی است و لازمه تفکر اجتهادی در میان مذاهب و صاحب‌نظران اسلامی است را به دشمنی و خشونت و تکفیر و جنگ و خونریزی بین مسلمین تبدیل کنند، به حدی که برخی از این جریان‌ها از هرگونه گفت‌وگوی علمی و هرگونه تلاش برای صلح و دوستی و هرگونه اقدام برای تقریب و نزدیک کردن دیدگاه‌ها امتناع می‌ورزند. این وضعیت کشتار، جنگ، تفرقه، کینه‌ورزی، عقب‌ماندگی، ویرانی و آوارگی را در دهه‌های اخیر برای جهان اسلام به ارمغان آورده است که برآمده از جهل، تعصب و نتیجه سیاست‌های خصمانه و استعماری قدرت‌های غربی است. برخی از کشورهای اسلامی نظیر عربستان سعودی از طریق هزینه گزاف دلارهای نفتی و با انتشار ارزش‌های مذهبی وهابی و سلفی، اقدام به جنگ‌های فرقه‌ای، نیابتی و ساختگی میان نموده و تاکنون نقش تخریبی گسترده‌ای در این زمینه ایفا کرده است. عربستان از

دیپلماسی نفتی برای ترویج وهابی‌گری استفاده می‌کند. (هاتر، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴ و ۲۵۶) نقش وهابی‌گری که عربستان سردمدار آن است در این بحران‌ها و سیاست‌های تفرقه کاملاً آشکار است. حمایت‌های بی‌پرده از گروه‌های تروریستی، جنگ سفارتخانه‌ها و ... از جمله مداخله در امور کشورهای اسلامی مانند لبنان که اخیراً منجر به استعفای غیرمترعارف الحیریری شد برخی از این سیاست‌ها هستند.

به اعتقاد مهدی المانجرا، آینده‌پژوه مراکشی «گرچه مسلمانان امروزه در اختیار خودشان هستند ولی آینده آنان را دیگران تعیین می‌کنند و آینده اسلامی در مصادره بیگانگان است، چراکه ما دوست داریم کورکورانه و بدون تفکر بر سناریوهای و مطالعات که دیگران برایمان ترسیم کرده‌اند تکیه کنیم. واقعیت تکان‌دهنده این است که دنیای اسلام کنترلی بر سرنوشت خود ندارد و در بسیاری از موارد، تنها استقلال صوری دارد. دولت‌های اسلامی، چشم‌انداز شفاف و روشنی از آینده و الزامات آن ندارند. اگر بر همین منوال پیش برویم، آینده ما تصویر کج‌ومعوج و عبثی از گذشته دیگران خواهد بود.» (المانجرا، ۱۳۸۴، ص ۹) بنابراین، وضعیت کنونی هیچ‌گاه ما را به تمدن نوین اسلامی نخواهد رساند بلکه روزه‌روز تمدن اسلامی رو به ضعف و انحطاط پیش خواهد رفت. در صورت ادامه یافتن این روند، جهان اسلام به سمت تضعیف روزه‌روز امت اسلامی، تنگ شدن عرصه بر جریان مقاومت اسلامی، تشدید اختلافات مرزی، تجزیه مناطق بیشتر (مانند کردستان عراق) و در نتیجه سلطه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غرب بر جهان اسلام و بازگشت دوباره جهان اسلام به دوران استعمار کلاسیک پیش خواهد رفت.

۲-۳ مرحله سوم؛ آینده تصویر شده و بیانیه چشم‌انداز

این گام هسته‌ی مرکزی فرآیند چشم‌انداز سازی است که هدف تدوین چشم‌انداز، چیزی است که آرمان و آرزوی ماست و می‌خواهیم در آینده به آن دست‌یابیم. در این گام بر اساس «سناریوی محتمل» که در مرحله قبلی گذشت یک «سناریوی مرجع» تدوین می‌گردد. مطالعه این مرحله پاسخ به این پرسش است که کجا می‌خواهیم باشیم؟ در واقع در این مرحله بیانیه چشم‌انداز^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آرمان و سناریوی مرجع در جهان اسلام ایجاد و شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی» است.

چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی یعنی تمدنی دینی که بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳) این تمدن همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است. تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه خواری، ربا، تکاثر و دفاع از مظلومان عالم است. (اکبری و رضائی، ۱۳۹۴، ص ۹۱) آرمان تمدن نوین اسلامی و آینده تصویرشده را به‌طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد: استقلال و آزادی، مجد، عظمت و شرافت مسلمین، به دست آوردن حق تعیین سرنوشت توسط ملت‌ها و بیداری دولت‌ها، استقرار مردم‌سالاری دینی در کشورهای اسلامی، استقرار حکومت اسلام در گستره عالم و تشکیل امت واحده اسلامی.

۲-۴- مرحله چهارم؛ برنامه اقدام و اجرایی چشم‌انداز

مرحله چهارم برنامه چشم‌انداز سازی، یک فرآیند مستقل و کامل برنامه‌ریزی راهبردی یا برنامه‌ریزی اجرایی و اقدام^۱ است که راهبردها و اقدامات لازم را جهت هدایت موضوع به سمت چشم‌انداز طولانی مدت تدوین می‌نماید. آخرین مرحله چشم‌انداز سازی به مهم‌ترین پرسش چشم‌انداز یعنی چگونه آنجا برسیم؟ پاسخ می‌دهد.

برای پاسخ به این پرسش مهم باید دید که جهان اسلام چه ظرفیت‌های برای رسیدن و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی که چشم‌انداز ماست دارد. جهان اسلام برای ساختن تمدن نوین زمینه‌های فراوانی دارد. از زمینه‌های مهم برای این مهم، توجه به اشتراکات اسلامی هستند. مشترکات مانند سابقه تاریخی مشترک، دشمن مشترک، تهدید مشترک، منافع مشترک، جغرافیای مشترک، اهداف مشترک. اشتراکات اسلامی فوق، ظرفیت و زمینه مهمی برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز حاضر به حساب می‌آیند. توجه به ویژگی‌های مشترک اسلامی چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی را نشان می‌دهد و

۱. Action planning

می‌توانیم با توجه به مشترکات امت اسلامی، آسان‌تر به آینده تصویرشده برسیم.

الف: ارزش‌ها و سابقه تاریخی مشترک

از زمینه‌های مهم تمدن نوین اسلامی، تعلق خاطر به یک فرهنگ و تمدن هست. جامعه بسان فرد، در رشد و تکامل خود، به فرهنگ و عناصر فرهنگی، هنجارها، ارزش‌ها، آداب، رسوم، سنن، رفتارها و منش‌های خاص جامعه و آثار تمدنی که از سایر جوامع متمایز گردد، پایبند است و نسبت به آن‌ها احساس وابستگی و تعلق می‌کند. آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دل‌بستگی به آن و احساس هویت تاریخی، پیونددهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر و مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می‌گردد و هر جامعه‌ای با هویت تاریخی خود تعریف و ترسیم می‌شود. (معمار، ۱۳۷۸، ص ۱۷) از این رو، ارزش‌ها و سابقه تاریخی مشترک از مهم‌ترین عوامل و زمینه برای تمدن نوین اسلامی به حساب می‌آیند که در صورتی که این ظرفیت مورد توجه قرار گیرد چشم‌انداز همگرایی اسلامی روشن خواهد بود و رسیدن به آن نیز دور از دسترس نخواهد بود. جهان اسلام با دارا بودن زمینه‌های تاریخی، دینی و فرهنگی مشترک، راهی دشواری برای تمدن‌سازی ندارد و این هدف دور از دسترس نیست. جوامعی که از نظر تاریخی، دارای سابقه و ارزش‌های مشترک هستند به سادگی می‌توانند به سمت نوسازی تمدن خویش گام بردارند و این مهم را تجربه نمایند.

مهم‌تر از سابقه تاریخی مشترک، وجود ارزش‌های مشترک میان امت اسلامی هستند که امکان دست یافتن به یک توافق عمومی، همبستگی و پیوند اسلامی را رقم بزند. در این زمینه، دین اسلام به‌عنوان مهم‌ترین عامل و ارزش مشترک ارتباط کشورهای اسلامی را تسهیل می‌نماید. به‌ویژه آن‌که بر اساس تعالیم اسلام همه‌ی مسلمانان به‌عنوان امتی واحد شناخته می‌شوند. (سوره انبیا، آیه ۹۲ و سوره مؤمنون، آیه ۵۲) این امر بستر مناسبی را از لحاظ فکری جهت همگرایی اسلامی فراهم می‌آورد. دین مهم‌ترین منبع برای هویت است، چراکه به پرسش‌های بنیادین پاسخ می‌دهد و به زندگی جهت می‌بخشد، روابط اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و وحدت اعتقادی ایجاد می‌کند. از این رو با جرئت و بدون شک می‌توان گفت که اسلام به‌عنوان ارزش مشترک گروه‌های اسلامی؛ مهم‌ترین زمینه و عامل همگرایی اسلامی است که لازمه تمدن اسلامی است. مسلمانان در اصول و بسیاری از فروع با یکدیگر اشتراک عقیده دارند. خدای واحد، پیامبر واحد و کتاب واحد، پایه‌هایی هستند که می‌توانند

وحدت و انسجام امت اسلامی را بار دیگر احیاء و همگرایی را به جهان اسلام به ارمغان آورند. مصادیق ارزش‌های مشترک در اسلام فراوان‌اند. قرآن کریم بیشترین نقش در هویت دهی اسلامی دارد. وجود مقدس پیامبر عظیم‌الشان و دوستی و مودت خاندان پاک آن حضرت از مصادیق اصلی ارزش‌های مشترک در جهت نیل به همگرایی اسلامی هستند. (آقانوری، ۱۳۸۷) از ارزش‌های مشترک فوق‌العاده پراهمیت در ارتباطات و همگرایی اسلامی، مراسم حج است که بار همگرایی فوق‌العاده‌ای دارد. این ویژگی در مراسم اربعین سید و سالار شهیدان (ع) نیز وجود دارد. شهادت، استقلال‌طلبی، مقاومت و ایستادگی از ارزش‌های مشترک دیگر اسلامی هستند که می‌تواند همگرایی اسلامی بر آن‌ها استوار باشد.

با این توضیح مشخص می‌شود که چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی امری ممکن و محتمل است و می‌توان گفت که امت اسلامی در سایه تجارب تاریخی، از زمینه مناسبی برای همگرایی بهره‌مند است. بنا بر تجربه تاریخی در گذشته که در پرتو ارزش‌های اسلامی، هر قوم و نژادی از نتیجه کار و کوشش قوم و نژاد دیگر بهره‌مند می‌شد. دانشمندان مسلمان از فرغانه در دورترین نقطه شرق اسلامی با وسایل ابتدایی آن روز به راه می‌افتادند و خود را به غرناطه در غرب اسلامی می‌رساندند تا از محضر دانشمندان آنجا بهره‌مند شوند. (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۹) شهید مطهری بعد از نقل فرازی از نوشته پرفسور ارنست کونل، معتقد است: «نکته جالب در بیان این دانشمند این است که می‌گوید مسلمانان از نژادهای مختلف بر روی اختلافات نژادی خود پل بسته بودند؛ یعنی اسلام برای اولین بار توانست کلیتی و وحدتی سیاسی و اجتماعی بر اساس عقیده و مرام و مسلک به وجود آورد و همین جهت تسهیلات زیادی از لحاظ ایجاد تمدنی عظیم و وسیع به وجود آورد». (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲)

ب: جغرافیا، ژئوپلیتیک و مرز مشترک

ژئوپلیتیک، پیوستگی و مرز مشترک و در مجموع جغرافیا، از دیگر عوامل و زمینه تمدن نوین اسلامی هستند. جهان اسلام از نظر جغرافیای انسانی دارای جمعیتی بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون نفر پس از مسیحیت، دومین جمعیت بزرگ مذهبی است. از نظر میزان گسترش جمعیت در مناطق مختلف جهان نیز آمارها بسیار روشن‌گر هستند. از کل ۳۹ کشور آسیایی ۲۱ کشور جزو کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند. همچنین از ۵۸ کشور آفریقایی ۲۰ کشور آن مسلمان هستند. اگرچه در قاره اروپا تنها دو کشور اسلامی آلبانی و بوسنی هرزگوین وجود دارند ولی مسلمانان از

طریق مهاجرت به کشورهای بزرگ اروپایی توانستند جمعیت‌های قابل توجهی را در این کشورها به وجود آورند و تأثیر بسیار زیادی بر این جوامع بر جای گذاشته و گرایش فزاینده اروپایی‌ها به دین مبین اسلام موجب نگرانی شدید سیاستمداران این کشورها شده است.

گزارش مؤسسه پژوهشی «پیو» نشان می‌دهد که اسلام دارای جمعیت حدود میلیارد و هفت صد و پنجاه میلیون نفر ۲۲ درصد جمعیت جهان و رشد سالانه ۲/۹ درصد و اسلام پرسرعت‌ترین دین در حال رشد در اروپا است. این مؤسسه همچنین پیش‌بینی نموده است که تا ۲۰ سال آینده، جمعیت مسلمانان جهان ۳۵ درصد افزایش یابد. (ایکنا، ۱۳۹۲) این مرکز نشان می‌دهد که تا قبل از سال ۲۰۴۰ مسلمانان دومین گروه مذهبی در آمریکا خواهند بود. از نظر سیاسی نیز می‌توان گفت که امت اسلامی به لحاظ تعداد کشورهای موجود در جهان هم‌اکنون بیش از یک چهارم کشورهای جهان را تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، از مجموع ۱۹۲ کشور جهان هم‌اکنون ۵۷ کشور در سازمان کنفرانس اسلامی عضویت دارند؛ بنابراین کاملاً مشخص است که این تعداد کشور اسلامی در صورتی که بتوانند مواضع سیاسی واحدی اتخاذ نمایند تا چه اندازه زمینه شکل‌گیری تمدن اسلامی فراهم بوده و می‌توانند در سیاست بین‌الملل فوق‌العاده تأثیرگذار باشند.

مزیت موقعیت ژئوپلیتیکی جهان اسلام نیز به مجاورت و داشتن مرز مشترک اضافه شده و زمینه‌های هرچه بیشتر شکل‌گیری تمدن اسلامی را فراهم می‌سازد. موقعیت مهم و ژئوپلیتیکی مانند تنگه داردانیل و بسفر، کانال سوئز، باب‌المندب، تنگه هرمز، تنگه مالاکا و تنگه‌ی جبل‌الطارق، خلیج فارس، دریای عمان و دریای سرخ. (عزتی، ۱۳۷۱، صص ۱۶۳-۱۷۵) کشورهای اسلامی از نظر جغرافیای سیاسی و موقعیت ژئوپلیتیک در بهترین شرایط ممکن قرار دارند؛ بنابراین مشاهده می‌شود که جغرافیای سیاسی جهان اسلام منحصر به فرد است و به همین دلیل می‌تواند زمینه مناسبی تمدن نوین اسلامی به شمار آید. جهان اسلام دارای مناطق حیاتی مهمی است که سیطره بر این مناطق، در قلب راهبردهای نیروهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد. (نصری، ۱۳۹۳) چنانچه کشورهای اسلامی موقعیت ویژه جغرافیایی (جغرافیای سیاسی، جغرافیای فرهنگی و انسانی و جغرافیای اقتصادی) خود را در جهان درک نماید، با رعایت عامل ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئو اکونومیک و ... می‌توانند زمینه‌های تمدن نوین خویش را فراهم نموده و آن را بنا نمایند.

ج: منابع و منافع مشترک

منابع و منافع مشترک زمینه قابل توجه دیگر حداقل از جهت اقتصادی برای ساختن و نوسازی تمدن اسلامی در جهان معاصر است. جهان اسلام دارای قدرت نهفته و امکانات عظیمی مادی هست که در صورت همکاری بین مسلمین می‌تواند از این ظرفیت‌های مادی استفاده نموده و چشم‌انداز موردنظر را فراهم ساخته و جهان اسلام را به قدرت برتر در جهان تبدیل نماید. بررسی وضعیت منابع طبیعی کشورهای اسلامی بیانگر آن است که این کشورها به صورت بالقوه بسیار قدرتمند و ثروتمند هستند. متأسفانه سوء مدیریت و وابستگی رهبران این کشورها مانع از بهره‌برداری صحیح از این منابع شده است. وجود منابع عظیم نفت و گاز که حیات اقتصادی جهان صنعتی آن وابسته است. حوزه خلیج فارس که بخش اساسی و اصلی خاورمیانه را تشکیل می‌دهد دارای ۶۷۹ میلیارد بشکه ذخیره اثبات شده نفت (نزدیک به ۶۶ درصد از کل ذخایر جهان) و ۱۹۱۸ تریلیون فوت مکعب، ذخیره گازی (۳۰ درصد کل ذخایر گازی جهان) هست. (عسگری، ۱۳۸۳، صص ۱۲-۲۴) بنابراین کشورهای اسلامی می‌توانند با تکیه بر منابع و منافع مشترک به ویژه سلاح قدرتمند انرژی، زمینه‌های اقتصادی تمدن اسلامی را فراهم سازند و جهان استکبار را نیز در مقابل خویش خاضع نمایند.

د: موانع، تهدید و دشمن مشترک

از مهم‌ترین اقدامات که نوسازی تمدن اسلامی لازم است صورت گیرد شناخت و برداشتن چالش‌ها و موانع شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. این موانع به دو مانع بیرونی و درونی تقسیم می‌گردد. موانع درونی با همه انواع و اقسامش در بین همه گروه‌های اسلامی مشترک است. استعمار نیز که به‌عنوان عامل بیرونی است دشمن مشترک شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل وجود یک یا چند قدرت رقیب یا تهدیدکننده می‌تواند به‌عنوان عامل همبستگی میان کشورهای در معرض تهدید عمل نماید. (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱) احساس تهدید و دشمن مشترک داشتن فرصت و زمینه سیاسی و اجتماعی بسیار مناسب برای شکل‌گیری تمدن اسلامی فراهم می‌آورد. تهدید مشترک، در دنیای امروز عامل خوبی است تا مسلمانان از این فرصت برای شکل دادن تمدن خویش بهره‌برد. ابن‌خلدون به‌خوبی نشان می‌دهد که میان تداوم عصبیت و همبستگی خویشاوندی با رفتار منسجم تشکیلاتی از یکسو و حضور یک دشمن مشترک رابطه‌ای اثبات شده وجود دارد. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۳۴)

فرضیه «دشمن مشترک» به قوی‌ترین وجه در رفتار سیاسی دشمنان تمدن اسلامی به‌ویژه آمریکا

مشاهده می شود. سیاست خارجی آمریکا در دوران چهار دهه جنگ سرد در جهت مهار شوروی و متحدان آن و گسترش کمونیسم در جهان بود. وجود شوروی و بلوک شرق به مثابه یک تهدید و دشمن مشترک، فرصتی را برای آمریکا به وجود آورد تا حضور خود را در اقصی نقاط جهان منطقی جلوه دهد و نفوذ خود در جهان سوم را گسترش دهد؛ اما بعد از فروپاشی شوروی به عنوان دشمن شماره یک این کشور، آمریکا در پی استراتژی «دشمن سازی»، «دشمن یابی» و یا «بزرگ سازی دشمنان» در گوشه و کنار جهان پرداخت. بر مبنای آن می توان جوهره پنهان نظریه پردازان آمریکایی نظیر «فوکویاما» یا «هانتینگتون» و یا استراتژیست ها و سیاستمداران را تجزیه و تحلیل و افشا کرد. بر اساس نظریه «دشمن یابی» یک قدرت سیاسی برای احراز هویت وجودی و اتحاد و یکپارچگی سیاسی داخلی نیازمند دشمنی است که بتواند در تقابل با آن چنین کار ویژه هایی را در درون نظام سیاسی محقق سازد. (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۸) گفتمان سلطه تلاش می کنند از اسلام و مسلمانان چهره خشن و دور از تمدن و مدنیت جلوه دهند. آنان سیاست اسلام هراسی را در پیش گرفته اند. اسلام هراسی در جهان غرب یعنی اسلام خطری است برای دنیای مسیحیت و برای دفع این خطر، باید اقدامات نظامی، سیاسی، تبلیغاتی و روانی خود را توجیه کنند. (شیرودی و کاظمی، ۱۳۹۰) به طور کلی، استبداد داخلی و استکبار به عنوان مانع، تهدید، چالش و دشمن مشترک تمدن اسلامی هستند که مجموعه این عوامل دست هم داده و پدیده ای جدیدی را شکل دادند به عنوان «تروریسم» که با عوامل و زمینه های درونی و دست پیدای غرب شکل گرفت و استکبار و تروریسم هر دو از سرسخت ترین دشمنان شکل گیری تمدن نوین اسلامی به حساب می آیند. جالب تر آنکه گفتمان استکبار امروزه ادعای مبارزه با تروریسم که مولود خود آنان هست را دارد. (حافظ نیا، قربانی نژاد و جان پرور، ۱۳۹۱، ص ۶۶)

جهان اسلام داری مشترکات فراوانی دیگری نیز هستند. اهداف مشترک یکی از آنان است که در مسیر نوسازی تمدن اسلامی فوق العاده دارای اهمیت است. حفظ اسلام و حفظ قبله اول مسلمین و حفظ عظمت و وحدت کشورهای اسلامی از اهداف مشترک مسلمانان که در مرحله سوم و تصویر چشم انداز گذشت. نظام سیاسی خاص اسلام، استقلال، مردم سالاری و ... از اشتراکات دیگر اسلامی هستند که با وجود این زمینه ها می توان به راحتی چشم انداز تمدن نوین اسلامی را ترسیم نمود.

نتیجه گیری

دستیابی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی مستلزم استخدام و به کارگیری عوامل و زمینه های

مختلف است. در این مقاله بر نقش مشترکات اسلامی در تمدن نوین اسلامی به‌منظور ترسیم چشم‌انداز و برنامه اقدام و اجرایی چشم‌انداز تأکید شد. از منظر آینده‌پژوهی به ویژه چشم‌انداز سازی ارگون، آینده تمدن اسلامی مستلزم آن است که مسلمانان باید از وضعیت بحرانی کنونی عبور کرده و چشم‌انداز آینده اسلامی را ترسیم و آن را اجرایی سازند. با توجه به مدل مفهومی ارائه‌شده وضعیت کنونی امت اسلامی، جهت‌گیری زیادی به سمت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ندارد. مسلمانان در ترسیم چشم‌انداز تمدن اسلامی باید از ظرفیت‌ها و امکانات درونی مانند توسل جستن به مشترکات اسلامی بهره‌جویند. با تکیه بر همین مشترکات، زمینه بهره‌جویی از ظرفیت‌های موجود در جهان اسلام به‌منظور حفظ و ارتقای منافع اسلام و مسلمین در چارچوب تحقق آینده مطلوب تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر خواهد بود.

مرحله چهارم چشم‌انداز سازی ارگون توجه به مشترکات در جهان اسلام است. اگرچه مرحله اول و دوم چشم‌انداز یعنی وضعیت کنونی جهان اسلام و اینکه اگر این شرایط اگر ادامه پیدا نماید دارای ابهام است؛ ولی می‌شود با مطالعه و بررسی شرایط جهان اسلام و علم آینده پژوهی، وضعیت و مسیر را به سمت شکل‌گیری و ساخت تمدن نوین اسلامی تغییر داد. این در حالی است که جهان اسلام با دارا بودن جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر به‌منزله یک قطب جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بزرگ، گستره وسیعی از کره خاکی را شامل می‌گردد که با داشتن ظرفیت‌های مهم برای تمدن سازی، مانند پیوستگی جغرافیایی و مرزی، قابلیت‌های فوق‌العاده ژئوپلیتیکی، منابع عظیم انرژی، تهدیدات مشترک خارجی، داشتن دشمنان مشترک، منافع متقابل مشترک، قابلیت‌های تجاری و اقتصادی و همگونی ارزشی و فرهنگی دارای زمینه‌های فراوان برای نوسازی تمدن اسلامی هستند که می‌توان با این ظرفیت‌ها گام‌های مؤثری در این مسیر برداشت. از آنچه گذشت به دست می‌آید که با توجه به مشترکات اسلامی می‌توان چشم‌انداز تمدن اسلامی را ترسیم نمود و تمدن نوین اسلامی، دور از واقعیت نیست و ظرفیت‌های مادی و معنوی جهان اسلام آن‌قدر مهیاست که مسلمانان می‌توانند با بازشناسی و تقویت آن‌ها، بار دیگر شکوه و عظمت گذشته خویش را بازیابند. این مهم زمانی به دست می‌آید که مسلمانان و کشورهای اسلامی، تجربه تاریخی جهان اسلام را مورد مطالعه قرار داده و امکانات و توان مادی و معنوی جهان اسلام را بشناسند و با در پیش گرفتن استراتژی روشن و هدفمند، به سمت تمدن سازی و نوسازی تمدن اسلامی رهنمون شوند که این امر با توجه به وعده‌های الهی دور از دسترس نخواهد بود.

فهرست منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۶)، مقدمه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. ابن خلدون، (۱۳۶۲)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
۳. اجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۱)، مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۴۱۱.
۴. احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران، انتشارات کیهان؛ واعظی، محمود، (۱۳۹۲)، بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه: نظریه‌ها و روندها، تهران، وزارت امور خارجه.
۵. آقانوری، علی، (۱۳۸۷)، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۶. اکبری، مرتضی و رضائی، فریدون، (۱۳۹۴)، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، سال سوم، شماره ۵.
۷. امام خامنه ای، سید علی (۱۳۹۴/۲/۲۶)، دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی.
۸. امام خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۴/۶/۲۷)، پیام به مناسبت کنگره عظیم حج.
۹. المانجرا، مهدی، (۱۳۸۴)، آینده‌های دنیای اسلام، ترجمه و تلخیص سیاوش ملکی فر، تهران، اندیشکده آصف.
۱۰. آیات متعدد از جمله: سوره قیامت، آیه ۲۰، سوره انسان، آیه ۲۷.
۱۱. بهروز لک، غلامرضا و علیپور گرجی، محمود، (۱۳۹۰)، کاربرد روش چشم‌انداز در مطالعات سیاسی، مجله علوم سیاسی، شماره ۵۳.
۱۲. بیگدلی، مهرناز (مترجم)، (۱۳۷۹)، انجمن برنامه‌ریزی آمریکا، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲.
۱۳. پدرام، عبدالرحیم و همکاران، (۱۳۸۸)، آینده‌پژوهی مفاهیم و روش، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ص ۶۷؛ کور نیش، ادوارد، (۱۳۸۸)، آینده‌پژوهی پیشرفته: نگاهی ژرف به

اصول، مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی، ترجمه سیاوش ملکی‌فر و فرخنده ملکی‌فر، تهران، اندیشکده صنعت و فناوری (آصف).

۱۴. تفهیمی، رحمان، (۱۳۸۸)، نگاهی دیگر کاربرد شیوه‌های گرافیکی - بصری در تدوین چشم‌انداز، دومانامه شهرنگار، شماره ۵۲، به نقل از Caves, R. W (۲۰۰۵) Encyclopedia of the City, Publishing by Taylor and Francis Group.

۱۵. جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۶.

۱۶. حافظ‌نیا، محمدرضا، قربانی‌نژاد، ریباز و جان‌پرور، محسن، (۱۳۹۱)، تحلیل ژئوپلیتیکی عوامل هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۲.

۱۷. حسینی، سید مهدی، (۱۳۸۱)، نگاهی به اهداف و برنامه استراتژیک امریکا در فرایند تحول نظام بین‌المللی، دوازدهمین کنگره بین‌المللی خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۸. دورانت، ویل، (۱۳۶۵)، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، ع. پاشایی، امیرحسین آریان‌پور، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۱۹. زرین کوب، عبدالحسین، (بی‌تا)، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.

۲۰. سوره انبیا، آیه ۹۲، سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

۲۱. سوره حشر، آیه ۱۸.

۲۲. شیروودی، مرتضی و کاظمی، سید آصف، (۱۳۹۰)، نقش رسانه‌های غرب در برابر گسترش اسلام در غرب، فصلنامه علمی تخصصی سخن تاریخ، سال ۵، شماره ۱۴.

۲۳. صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۷)، وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده، تهران، انتشارات شکیب به سفارش مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.

۲۴. صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۷)، وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده، تهران، انتشارات شکیب به سفارش مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.

۲۵. عزتی، عزت‌الله، (۱۳۷۱)، ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت.

۲۶. عسگری، سهراب، (۱۳۸۳)، نقش و جایگاه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۱۰ - ۲۰۹.

۲۷. عمید، حسن، (۱۳۷۴)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ج ۱.

۲۸. فوزی، یحیی و صنم‌زاده، محمودرضا، (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی*، سال سوم، شماره ۹.

۲۹. قدیری، روح‌الله، (بی‌تا)، *بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده*، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

۳۰. کاظمی، سید آصف، (۱۳۹۳)، *بازتاب‌های سیاسی گفتمان تکفیر در: مجموعه مقالات هفدهمین جشنواره شیخ طوسی (ره)*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)؛ کاظمی، سید آصف، (۱۳۹۴)، *اسلام هراسی درونی؛ نزاع غرب با اسلام در سایه گفتمان در: مجموعه مقالات هجدهمین جشنواره شیخ طوسی (ره)*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

۳۱. کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، (۱۳۷۹)، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، *الکافی*، تهران، اسلامیه، ج ۱.

۳۳. کور نیش، ادوارد، (۱۳۸۸)، *آینده‌پژوهی پیشرفته: نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش‌های آینده‌پژوهی*، ترجمه سیاوش ملکی فر و فرخنده ملکی فر، تهران، اندیشکده صنعت و فناوری (آصف).

۳۴. گلکار، کورش، (۱۳۸۴)، «چشم‌انداز شهر، محله: پیشنهاد یک چارچوب مفهومی برای صورت‌بندی بیانیه چشم‌انداز»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۴، به نقل از Ames, S. A Guide to Community Visioning.

۳۵. مؤسسه پژوهشی پیو، ای‌کنا به نقل از مؤسسه پژوهشی پیو (۲۰۱۰) «جمعیت مسلمان»، <http://iqna.ir/fa/news/1384904>

۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۷۸.

۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۷۴؛ حرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. مدیریت حوزه علمیه قم، (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم، انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.
۳۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ج ۱۴.
۴۰. معمار، رحمت‌الله، (۱۳۷۸)، سنجش گرایش به هویت تاریخی، تهران، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صداوسیما.
۴۱. ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵)، الفبای آینده پژوهی: علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا، تهران، کرانه علم.
۴۲. موثقی، سید احمد، (۱۳۷۸)، علل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه سیاسی و آرای اصلاحی سید جمال‌الدین اسدآبادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۳. نصر، سید حسین، (۱۳۹۳)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۴. نصری، قدیر، (۱۳۹۳)، مناطق حیاتی خاورمیانه، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۴۵. هاتر، شیرین، (۱۳۸۰)، آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجد، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰.
۴۶. ولایتی، علی‌اکبر، (۱۳۸۲)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه.
۴۷. ولایتی، علی‌اکبر و سعیدمحمدی، رضا، (۱۳۸۹)، تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، دانش سیاسی، شماره ۱.